

اخلاق در تفکر اسلامی

اسلام دینی است که تنها به یک سلسله پندها و اندرزهای فردی اکتفا نکرده است، بلکه دینی جامع و همه جانبه است که آنچه را که فرد و جامعه بدان نیازمند است، آنرا به عنوان یک واجب، فرض نموده است.



اسلام دینی است که تنها به یک سلسله پندها و اندرزهای فردی اکتفا نکرده است، بلکه دینی جامع و همه جانبه است که آنچه را که فرد و جامعه بدان نیازمند است، آنرا به عنوان یک واجب، فرض نموده است. برای این اساس متناسب با اهمیت خاصی که یک علم برسروشست فرد و جامعه دارد مورد تأکید و ترغیب اسلام واقع گشته است و دانشمندان مسلمان خویش را ملزم به تدوین و تبویب آن علم در مقام تئوری و نظری کرده‌اند. علم اخلاق از جمله علوم است که همواره مورد توجه فرهیختگان مسلمان بوده است، که به مقتضای زمان و نوع گرایش بدان پرداخته‌اند.

فلسفه اسلامی با سه گرایش مشایی، اشراقی و صدرایی شامل جهان شناسی است که تاثیر مستقیم بر علم اخلاق دارد. در اخلاق اسلامی جهان قسمت مادی و قسمتهای غیرمادی خصوصاً قسمت معنایی یا عقلانی دارد. موجوداتی که در این قسمت اند می توان به روح، قوانین جهان، عقل غیر استدلالی، و فرشتگان (مجریان قوانین جهان) اشاره کرد.

در تاریخ تفکر اسلامی، فلسفه اخلاق در ضمن مباحث کلامی مطرح شد موضوعاتی نظیر: جبر و اختیار، حسن و قبح عقلی و مسائلی از این دست.

به مرور زمان و به تدریج مسائل جدیدتری که جزء مسائل و گزاره‌های اخلاقی محسوب می‌شود مطرح گردید؛ مانند بحث عقل عملی و عقل نظری در اندیشه فلسفی فارابی، ابن‌سینا، محقق طوسی و صدرالمألهین شیرازی و پیروان حکمت متعالیه؛ نظیر حاجی سبزواری، علامه طباطبائی و شهید مطهری.

مضاف بر آن، در دوره معاصر مسائل جدیدی مانند طرح کلی قواعد اخلاقی و مباحث اعتباریات و رابطه آن با واقعیات خارجی از سوی علامه طباطبائی و شهید مطهری و بحث ضرورت بالقیاس از سوی آیت الله مصباح یزدی از این واقعیت انکار ناپذیر پرده بر می‌دارد که مهم‌ترین دغدغه فیلسوفان اسلامی، ارائه مبانی اخلاقی منسجم و نظام‌مند در حوزه فلسفه اخلاق بوده است.

بنابراین، طرح گزاره‌های فلسفه اخلاق و مباحث مربوط به آن، سابقه دیرینه در حوزه اندیشه اسلامی دارد، به گونه‌ای که بذره‌های آغازین آن در صدر اسلام و همزمان با طرح مباحث اعتقادی بر می‌گردد.

در دروان معاصر، با توجه به آثار فلسفی علامه طباطبائی و استاد مطهری درمی‌یابیم که آنان به دنبال پایه گذاری دانش جدیدی به نام فلسفه اخلاق بوده‌اند، و این خلاء را در حوزه اندیشه اسلامی حس می‌کرده‌اند.

مباحث جدیدی که در اصول فلسفه و روش رئالیسم مطرح گردیده یا سخنرانی‌های استاد مطهری در مناسبت‌های مختلف پیرامون فلسفه اخلاق که به صورت کتابی مستقلی به نام فلسفه اخلاق به چاپ رسیده، گویای این واقعیت مهم است.

بدین ترتیب، نظام اخلاقی اسلام به صورت یک نظام استوار و قدرتمند در برابر نظام‌های اخلاقی دیگر، ارائه گردید. در حقیقت با ارائه نظام اخلاقی اسلام و مباحثی منسجم و ضابطه‌مند پیرامون فلسفه اخلاق، افق تازه‌ای در حوزه اخلاق اسلامی گشوده شد.